

علم أصول الفقه

١٦

٢-٣-٩١ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

حسن الظن

- الباب الثاني و الثمانون في حسن الظن
- قَالَ الصَّادِقُ ع حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيمَانِ المَرءِ وَ سَلَامَةِ صَدْرِهِ -

حسن الظن

- وَ عَلَامَتُهُ أَنْ يُرَى كُلَّ مَا نَظَرَ إِلَيْهِ بِعَيْنِ الطَّهَارَةِ وَ الْفَضْلِ مِنْ حَيْثُ رُكِبَ فِيهِ وَ قُذِفَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحَيَاةِ وَ الْأَمَانَةِ وَ الصِّيَانَةِ وَ الصِّدْقِ -

حسن الظن

● قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَحْسِنُوا ظُنُونَكُمْ بِإِخْوَانِكُمْ تَغْتَنِمُوا بِهَا صَفَاءَ الْقَلْبِ وَإِثَاءَ [نِقَاءَ] الطَّبَعِ -

● وَقَالَ أَبُو بَنِي كَعْبٍ إِذَا رَأَيْتُمْ أَحَدَ إِخْوَانِكُمْ فِي خَصْلَةٍ تَسْتَنَكِرُونَهَا مِنْهُ فَتَأْوَلُوهَا سَبْعِينَ تَأْوِيلًا فَإِنْ أَطْمَأَنَّتْ قُلُوبُكُمْ عَلَى أَحَدِهَا وَإِلَّا فَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ حَيْثُ لَمْ تَعْذِرُوهُ فِي خَصْلَةٍ يَسْتَرُهَا عَلَيْهِ سَبْعِينَ [سَبْعُونَ] تَأْوِيلًا فَإِنَّتُمْ أَوْلَى بِالْإِنْكَارِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنْهُ -

حسن الظن

- أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَ ذَكَرَ عِبَادِي مِنَ آلَائِي وَنِعْمَائِي فَإِنَّهُمْ لَمْ يَرَوْا مِنِّي إِلَّا الْحَسَنَ الْجَمِيلَ لئَلَّا يَظُنُّوا فِي الْبَاقِي إِلَّا مِثْلَ الَّذِي سَلَفَ مِنِّي إِلَيْهِمْ

حسن الظن

- وَ حُسْنُ الظَّنِّ يَدْعُو إِلَى حُسْنِ الْعِبَادَةِ وَالْمَغْرُورُ يَتِمَادِي فِي الْمَعْصِيَةِ وَ يَتَمَنَّى الْمَغْفِرَةَ وَ لَا يَكُونُ مُحْسِنِ الظَّنِّ فِي خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا الْمُطِيعَ لَهُ يَرْجُو ثَوَابَهُ وَ يَخَافُ عِقَابَهُ -
- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَحْكِي عَنْ رَبِّهِ أَنَا عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّ عَبْدِي بِي يَا مُحَمَّدُ ص فَمَنْ زَاغَ عَنِ وِفَاءِ حَقِيقَةِ مُوجِبَاتِ ظَنِّهِ بِرَبِّهِ فَقَدْ أَغْطَمَ الْحُجَّةَ عَلَى نَفْسِهِ وَ كَانَ مِنَ الْمَخْدُوعِينَ فِي أَسْرِ هَوَاهُ

حسن الظن

- ٢- ابن محبوب عن جميل بن صالح عن بُريد بن معاوية عن أبي جعفر ع قال: وجدنا في كتاب علي ع أن رسول الله ص قال وهو على منبره و الذي لا إله إلا هو ما أُعطي مؤمن قط خير الدنيا والآخرة إلا بحسن ظنه بالله و رجائه له و حسن خلقه و الكف عن اغتياب المؤمنين و الذي لا إله إلا هو لا يُعذب الله مؤمناً بعد التوبة و الاستغفار إلا بسوء ظنه بالله و تقصيره من رجائه و سوء خلقه و اغتيابه للمؤمنين و الذي لا إله إلا هو لا يحسن ظن عبد مؤمن بالله إلا كان الله عند ظن عبده المؤمن لسان الله كريم بيده الخيرات يستحي أن يكون عبده المؤمن قد أحسن به الظن ثم يخلف ظنه و رجاءه فأحسنوا بالله الظن و ارجبوا إليه.

حسن الظن

• ٣- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا «١».

• ٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ أَنْ لَا تَرْجُوَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ «٢».

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- اگر احتمال **عقلایی** دهیم که با دست غذا خوردن امری متعارف بین مردم بوده به گونه‌ای که اگر عادتی غیر این وجود داشت، مردم به آن عمل می‌کردند، دیگر نمی‌توانیم به استناد توقع مردم از نبی، این امر را الهی تلقی کنیم. در آن زمان همه می‌دانستند که این امر عادی است و هیچ ضرورتی به تصریح آن نبوده است، پس آن رفتار، یک رفتار الهی محسوب نمی‌شد.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- بنابراین سخن و رفتار معصوم علیه السلام در درجه‌ی اول برای مخاطبان وی ظهور داشت. آنان می‌توانستند کلام و رفتاری را که بدون قرینه صادر می‌شد، بر شأن نبوت یا امامت به معنای علم الهی حمل کنند.
- اما کسانی که قرن‌ها بعد آمدند و با گذشت سالیان و تغییر فضاها و عادات از قراین ارتکازی موجود در آن زمان بی‌خبر هستند و به دلیل بی‌اطلاعی از قراین، وجه فعل و گفتار بر ایشان مشکوک شده است، نمی‌توانند به این راحتی به ظهور تمسک نمایند.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- بله اگر بدانند که فعل یا گفتاری در همان زمان هم جهتش معلوم نبوده و قرینه‌ای برای غیر الهی بودن آن وجود نداشته، می‌توانند همچون مخاطبان این فعل و گفتار، به ظهور تمسک نموده و آن را صادر شده از شأن نبوت یا امامت بدانند.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- ممکن است گمان شود بر پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام واجب بود که به دلیل این که می دانستند در طی گذشت قرن ها قراین از بین می روند و فضاها تغییر می کنند، خود صریحاً وجه فعل خویش را مشخص می نمودند. پس اگر تعیین نکردند، معنایش آن است که فعل یا سخن آنها بیانگر حکم الهی است.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- اما این گمان در جایی که اصول دین یا افکار اصلی دین خدشه دار می‌شود و تحریف در دین لازم می‌آید، درست است؛ نه در هر مورد جزئی دین.
- چه بسا امری که برای عده‌ای مخفی مانده، عده‌ای دیگر با دقت در دستورات و تعالیم پیشوایان دین کشف نمایند و حقیقت را بازگو کنند.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- بنابراین معصومان علیهم السلام در قبال شک‌هایی که سال‌ها بعد برای مؤمنان و متدینان پیش می‌آید و وجه فعل و سخن بر ایشان نامعلوم می‌شود، مسئولیتی ندارند که اگر چنین نبود و آنها به علم خویش کاری می‌کردند که آیندگان هیچ گاه دچار شک نشوند، هیچ وقت بین علما اختلاف نمی‌افتاد و بر همگان وجه سخن و فعل آشکار می‌گشت.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- شبیه این گفتار در نقل روایات نیز صادق است. ائمه علیهم السلام به علم خود می دانستند که در سال های آینده دروغگویانی کلام آنها را به اشتباه نقل می کنند. اما مسئولیت نداشتند که دروغگویان را رسوا نمایند.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- تنها مسئولیتی که متوجه آنان بوده است و در مسیر تحقق آن بسیار تلاش کرده‌اند، بنیان‌گذاری روشی معیار و صحیح برای آیندگان بود که بر اساس آن محققان منصف بتوانند مطالب صحیح دینی را از منابع اصلی دین استخراج نمایند.

ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- همان گونه که بارها اشاره کردیم این روش یعنی مکتب تفسیری ائمه علیهم السلام این امکان را به پیروان آنها می‌دهد که بتوانند آیات و روایات را از حیث سند و دلالت مورد بررسی قرار دهند و در پی این بررسی، خطاهایی را که احتمالاً در گذر زمان در دین ایجاد شده، کشف کنند.

- نکته ی دیگری که باید به آن توجه داشت این است که الهی بودن فعل یا قول به معنای جهان شمولی آن نیست بلکه می تواند موقعیتی نیز باشد. زیرا قبلا گفتیم که هرچند دین مرسل بیان دین نفس الامری است و عناصر دین نفس الامری ثابت و جهان شمولند ولی چون دین مرسل وحتى دین خاتم، در یک موقعیت خاص ظهور می کنند و از این رو در آن عناصر موقعیتی ظهور پیدا می کند.
- بنا براین معنای این ارتکاز این نیست که رفتارها و گفتارهای معصومان ضرورتا بر عنصر جهان شمول دینی حمل می شود بلکه ممکن است جهان شمول یا موقعیتی باشد

قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- حضرت علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه با تمسک به آیهی ۲۱ سورهی احزاب، نمونه‌هایی از رفتار و منش پیامبر را ذکر و مردم را به تبعیت از حضرت صلی الله علیه و آله دعوت می‌نماید. به طور مثال می‌فرماید: حضرت صلی الله علیه و آله بر روی زمین می‌نشستند و غذا می‌خوردند، کفش و لباس خویش را وصله می‌زدند، سوار مرکب بدون زین می‌شدند و دیگری را نیز بر مرکب خود سوار می‌کردند و...